



ابوركانه عبد يزيد ام ركانه را طلاق داد و با زنی از مُزَيَّتَه ازدواج کرد؛ این زن نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: مرا (در امور زناشویی) بی نیاز نمی کند؛ و مویی از سرش جدا کرد و گفت: تنها به این اندازه نیاز مرا برآورده می کند.

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که می گوید: ابوركانه عبد يزيد ام ركانه را طلاق داد و با زنی از مُزَيَّتَه ازدواج کرد؛ این زن نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: مرا (در امور زناشویی) بی نیاز نمی کند؛ و مویی از سرش جدا کرد و گفت: تنها به این اندازه نیاز مرا برآورده می کند. ما را از هم جدا کن؛ این بود که غیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم به جوش آمد و ركانه و برادرانش را فراخواند و سپس به همنشینانش فرمود: «أَتَرُونَ فَلَانًا يُشْبِهُ مِنْهُ كَذَا وَكَذَا؟ مِنْ عَيْدِ يَزِيدَ، وَفَلَانًا يُشْبِهُ مِنْهُ كَذَا وَكَذَا؟» «آیا فلانی در این صفات شبیه عبد يزيد نیست؟ و فلانی این صفات و ویژگی های ظاهری او را ندارد؟» آنها گفتند: بله چنین است. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم به عبد يزيد گفت: «طَلَّقَهَا»؛ «او را طلاق بده». آنگاه فرمود: «رَاجِعِ امْرَأَتَكَ أَمْ رُكَاةٌ وَإِخْوَتِهِ»؛ «نزد همسرت ام ركانه و برادرانش بازگرد». عبد يزيد گفت: ای رسول خدا، من ام ركانه را سه بار طلاق داده ام. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «قَدْ عَلِمْتُ رَاجِعَهَا»؛ «می دانم، به او رجوع کن». و این آیه را تلاوت نمود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ» [طلاق: 1] «ای پیامبر، هرگاه خواستید زنان را طلاق دهید، آنها را در زمان [آغاز] عده طلاق دهید [یعنی طلاق در طهری که با او نزدیکی نکرده است واقع شود]».

[حسن است] [به روایت ابوداود]

عبد يزيد با کنیه ی ابوركانه، ام ركانه را طلاق می دهد و با زنی از مزینه ازدواج می کند؛ زنی که به تازگی از مزینه گرفته، نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده و می گوید: ابوركانه مشکل دارد و نمی تواند با زنان همبستری کند؛ مرا از او جدا کن؛ بنابراین رسول الله صلی الله علیه وسلم غیرتی شده و ناراحت می شود و ركانه و برادرانش را فرا می خواند، آنگاه به همنشینانش می گوید: آیا شباهت ركانه و برادرانش به ابوركانه را می بینید؛ اینان فرزندان عبد يزيد هستند و تردیدی در مردانگی او نیست؛ و چنان نیست که آن زن از مزینه ادعا می کند. و حاضران می گویند: بله چنین است. آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم به عبد يزيد می گوید: «آن زن را طلاق بده». و عبد يزيد هم او را طلاق می دهد. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم به وی می گوید: نزد همسرت ام ركانه بازگرد؛ عبد يزيد می گوید: ای رسول خدا، من او را در یک مجلس سه بار طلاق داده ام؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: می دانم که او را سه بار طلاق داده ای؛ اما سه بار طلاق دادن در یک مجلس، یک طلاق محسوب می شود؛ پس نزد همسرت بازگرد و این آیه را تلاوت نمود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ» [طلاق: 1] «ای پیامبر، هرگاه خواستید زنان را طلاق دهید، آنها را در زمان [آغاز] عده طلاق دهید [یعنی طلاق در طهری که با او نزدیکی نکرده است واقع شود]». و در روایت احمد آمده است: ابوركانه همسرش را در یک جلسه سه بار طلاق داده بود و از این مساله ناراحت و غمگین بود. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم به او فرمود: «فإنها واحدة»؛ «آن یک طلاق محسوب می شود».



النجاة الخيرية
ALNAJAT CHARITY

